

## Beneficiary in environmental crimes in EU and Iranian law

Hossein Norouzi<sup>1</sup>, Mohammad Reza Parvin<sup>2</sup>✉, Mansour Pournouri<sup>3</sup>

### Abstract

**Field and Aims:** Damage to the environment has been criminalized today and this shows the importance of environmental protection. On this basis, the national laws of the countries have been transformed and effective steps have been taken in this direction, which include international cooperation. In this regard, having a position and being a stakeholder is important. In this research, we examine the laws of the European Union and Iran regarding this matter.

**Method:** This article is written in a descriptive-analytical way.

**Finding and Conclusion:** Environmental crimes have three key characteristics compared to other crimes: extent in terms of the perpetrator, diversity in terms of behavior, dynamics and causality in terms of results. Today, in addition to governments, citizens and non-governmental organizations can also play an important role in protecting the environment. However, the category of having a position and being a beneficiary limits the access of non-governmental natural and legal persons to the judicial authority in a way. Position means having the authority to file a lawsuit. The main challenge mentioned in this article is related to environmental crimes and creating criminal responsibility for those who pollute or destroy the environment. Today, most countries have come to the conclusion that the determination of the position in the field of environmental crimes is very different from other fields. Therefore, in many countries of the European Union, it is possible to file lawsuits by citizens based on public interests. On this basis, the traditional approach to the role of officials in environmental crimes is an important obstacle to the prosecution of such crimes and makes the implementation of criminal responsibility a failure.

**Keywords:** Beneficiary, Environmental crimes, European Union, Iranian law, criminal responsibility.

\*Citation (APA): Norouzi, H.; Parvin, M.; Pournouri, M. (2024). Beneficiary in environmental crimes in EU and Iranian law. *International Legal Research*, 17(63), 65-84.

1. PhD candidate in environmental management- environmental law, Faculty of Natural Resources and Environment, Science and Research Branch, Islamic Azad University, Tehran, Iran. Email: nouroozi@ymail.com

2. Assistant Professor, Agricultural Biotechnology Research Institute of Iran (ABRII), Agricultural Research, Education and Extension Organization (AREEO), Karaj, Iran. (Author). Email: mopr\_upar2@yahoo.fr

3. Assistant Professor, Department of Law, Faculty of Law, Central Tehran Branch, Islamic Azad University, Tehran, Iran. Email: pournouri@yahoo.com

## سمت در جرائم محیط‌زیستی در حقوق اتحادیه اروپا و ایران

حسین نوروزی<sup>۱</sup>، محمدرضا پروین<sup>۲</sup>، منصور پورنوری<sup>۳</sup>

### چکیده

**زمینه و هدف:** آسیب به محیط‌زیست امروزه جرم‌انگاری شده و این امر حاکی از اهمیت حفاظت از محیط‌زیست را نشان می‌دهد. بر این مبنا، قوانین ملی کشورها دستخوش تحول شده و در این مسیر گام‌های مؤثری برداشته شده است که شامل همکاری‌های بین‌المللی نیز می‌باشد. در این راستا، داشتن سمت و ذینفع بودن دارای اهمیت می‌باشد که در این پژوهش قوانین اتحادیه اروپا و ایران را پیرامون این امر مورد بررسی قرار می‌دهیم.

**روش:** این مقاله به شیوه توصیفی - تحلیلی نگارش یافته است.

**یافته‌ها و نتایج:** جرائم محیط‌زیستی سه ویژگی شاخص در مقایسه با دیگر جرائم دارند: گستردگی از جهت مرتکب، تنوع از جهت رفتار، پویایی و رابطه سببیت از جهت نتیجه. امروزه، علاوه بر دولت‌ها، شهروندان و نهادهای غیردولتی نیز می‌توانند نقش مهمی در حفاظت از محیط‌زیست داشته باشند. با این حال، مقوله داشتن سمت و ذینفع بودن، دسترسی اشخاص حقیقی و حقوقی غیردولتی به مرجع قضایی را به نوعی محدود می‌کند. سمت به معنای داشتن صلاحیت جهت اقامه دعواست. چالش اصلی ملحوظ در نوشتار حاضر مربوط به سمت در جرائم محیط‌زیستی و ایجاد مسئولیت کیفری برای آلوده‌کنندگان یا تخریب‌گران محیط‌زیست است. امروزه، اغلب کشورها به این نتیجه رسیده‌اند که احراز سمت در حوزه جرائم محیط‌زیستی بسیار متفاوت از دیگر حوزه‌ها می‌باشد. لذا، در بسیاری از کشورهای اتحادیه اروپا، امکان اقامه دعوا توسط شهروندان بر اساس منافع عمومی میسر شده است. بر این مبنا، رویکرد سنتی به نقش سمت در جرائم محیط‌زیستی مانعی مهم برای پیگرد این قبیل جرائم بوده و عملی کردن مسئولیت کیفری را با شکست مواجه می‌سازد.

**کلیدواژه‌ها:** سمت، جرائم محیط‌زیستی، اتحادیه اروپا، حقوق ایران، مسئولیت کیفری.

\* استناددهی (APA): نوروزی، حسین؛ پروین، محمدرضا؛ پورنوری، منصور. (۱۴۰۳). سمت در جرائم محیط‌زیستی در حقوق اتحادیه اروپا و ایران. *تحقیقات حقوقی بین‌المللی*، ۱۷(۶۳)، ۶۵-۸۴.

۱. دانشجوی دکتری مدیریت محیط‌زیست - حقوق محیط‌زیست، دانشکده منابع طبیعی و محیط‌زیست، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد علوم و تحقیقات، تهران، ایران. رایانامه: nouroozi@gmail.com
۲. استادیار حقوق، بخش بیوتکنولوژی میکروبی، پژوهشگاه بیوتکنولوژی کشاورزی ایران، سازمان تحقیقات، آموزش و ترویج کشاورزی، کرج، ایران. (نویسنده مسئول). رایانامه: mopr\_upar2@yahoo.fr
۳. استادیار، دانشکده حقوق، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد تهران مرکز، تهران، ایران. رایانامه: pournouri@yahoo.com

## مقدمه

این پرسش بسیار کلیدی که «حقوق کیفری تا چه اندازه و چگونه باید از محیط‌زیست حمایت کند» باید از سه جهت مبنای معیار و مصداق مورد بررسی قرار گیرد. از جهت مبنای حقوق کیفری و فراتر از آن، حقوق پس از جنگ جهانی دوم، هیچ‌گاه به صورت فراگیر از محیط‌زیست حمایت نکرده است. تعیین سه‌گانه و جوه تنظیم‌کنندگی حقوق برای تنظیم روابط فرد با فرد، فرد با دولت و دولتها با همدیگر، مجاللی نگذاشته که تنظیم روابط میان اشخاص اعم از حقیقی و حقوقی با محیط‌زیست به‌سان بخشی از ذات حقوق مطرح گردد. شاید دلیل این امر، بی‌زبانی و ناتوانی محیط‌زیست باشد و شاید هم محیط‌زیست نمی‌تواند مخاطب تکلیف باشد که بتواند در مباحث ذاتی حقوق جای بگیرد؛ زیرا در تنظیم‌کنندگی روابط همواره حق و تکلیف با هم مطرح می‌شود و مخاطب این روابط واقعاً یا اعتباراً یک موجود زنده است.

محیط‌زیست با ظهور عصر صنعتی شدن و دوران روشنگری به تبع حقوق طبیعی نادیده گرفته شد. پیام‌های دوره صنعتی شدن تا آغاز سده بیستم، چیزی جز بی‌رحمی نسبت به محیط‌زیست و برگرفتن حداکثری سود و بهره‌وری از آن نبود. در نیمه نخست سده بیستم، انسان ملی که به‌جای انسان نوعی نشسته بود و ملی‌گرایی در این دوره موج می‌زد، جنگ‌های جهانی را آفرید که اصلی‌ترین قربانی آن، محیط‌زیست بود؛ ولی به چشم نیامد. در نیمه دوم سده بیستم، با ظهور گرایش‌های حقوق بشری در میان بیشتر کشورها، باز این کرامت ذاتی انسان بود که به چشم آمد و حقوق طبیعی در حقوق بشر خلاصه شد و بر همین اساس بود که حق بر محیط‌زیست سالم به‌عنوان یکی از حقوق بشر نسل چهارم پدیدار گردید. به سخن دیگر، اهمیت دادن به محیط‌زیست به دلیل ارتباط آن با زندگی انسان‌ها و آسیب به آن‌ها پیوند خورده است. در نظریه مشورتی دیوان آمریکایی حقوق بشر در مورد محیط‌زیست و حقوق بشر در سال ۲۰۱۷، دیوان با تأیید ارتباط بین تحقق حقوق بشر و وجود محیط‌زیست سالم، اعلام داشت که کشورها باید اقداماتی را انجام دهند تا اطمینان حاصل شود که آسیب محیط‌زیستی قابل توجهی به اشخاص در داخل یا خارج از قلمرو آنها وارد نمی‌شود (رودال<sup>۱</sup>، ۲۰۲۰: ۲۵). این در حالی است که طبیعت و محیط‌زیست به‌عنوان بخشی از حقوق طبیعی اساساً به چشم نیامد.

در آغاز سده بیست‌ویکم، خشم محیط‌زیست به تدریج در چشم انسان‌ها و دولتها ظاهر شد؛ به گونه‌ای که بشر متوجه شد محیط‌زیست را به‌عنوان یک موجود زنده و قاهر نادیده گرفته است. روشن است که تا برهه زمانی ما، حقوق کیفری مبنیاً نمی‌توانسته از محیط‌زیست به‌عنوان یک ارزش مستقل و بدون وابستگی به انسان حمایت کند؛ زیرا محیط‌زیست به‌عنوان مخاطب حق و تکلیف شناسایی نمی‌شد تا حقوق کیفری بتواند از آن حمایت کند. به سخن دیگر، محیط‌زیست و

1. Rudall



متعلقات آن مانند حیوانات و گیاهان در واقع به عنوان دارایی انسان یا دولت تلقی شده و از این منظر مورد حمایت بودند؛ نه به عنوان یک پدیده یا موجود مستقل. همین امر سبب شد تا هر اقدام ضد محیط‌زیستی که برای شخص معین اعم از حقیقی و یا حقوقی زیانبار بود، به عنوان جرم مطرح شود و تحت پیگرد قرار بگیرد و هر اقدام زیانبار که نسبت به محیط‌زیست همگانی یا محیط‌زیست وحشی یا محیط‌زیست جهانی محقق می‌شد، اساساً مورد پیگرد قرار نگیرد. پرونده اریکا در فرانسه نخستین بار بود که ایراد آسیب صرفاً محیط‌زیستی با مجازات کیفری همراه شد. دادگاه عالی فرانسه تصمیم خود را در ۲۵ سپتامبر ۲۰۱۲ صادر کرد و هر چهار متهم شرکت نفت توتال<sup>۱</sup> به عنوان اجاره‌دهنده، شرکت رینا<sup>۲</sup>، مدیر کشتیرانی تور<sup>۳</sup> به عنوان مالک و مدیر پن شیب<sup>۴</sup> به عنوان مدیر فنی را از نظر کیفری مسئول آلودگی ناشی از نشت نفت دانست (لایندگرن<sup>۵</sup>، ۲۰۱۶: ۱۳۷).

حقوق کیفری در چگونگی حمایت کیفری از محیط‌زیست سردرگم است. یکی از اصول اساسی در زمینه سیاست کیفری، پیش‌بینی مجموعه قوانین منسجم و منظم به منظور تأمین اهداف آن است (کوشکی، ۱۳۸۹: ۸۸). در حقوق کیفری کشورها و از جمله ایران، جرم‌انگاری و کیفرگذاری به صورت پراکنده صورت گرفته است، ولی اثر چشمگیری در حمایت کیفری ندارد. دلیل این امر، ضعف نظام مسئولیت کیفری و فقدان اقدامات تأمینی در راستای مسئولیت اجتماعی شهروندان در این زمینه است. توسعه مسئولیت کیفری و ترسیم مسئولیت اجتماعی برای شهروندان و نهادهای غیردولتی دو راهبرد بنیادین در حمایت از محیط‌زیست در حقوق کیفری است که در این نوشتار با استفاده از روش تحلیلی - تطبیقی تنها به چگونگی و چالش‌های مسئولیت شهروندان و نهادهای غیردولتی پرداخته می‌شود.

## ۱- مفاهیم و کلیات

### ۱-۱- مفهوم جرائم محیط‌زیستی

جرائم محیط‌زیستی به مجموعه رفتارهای غیرقانونی علیه وضعیت مستقر پدیده‌ها و مظاهر طبیعت گفته می‌شود (کوشکی، ۱۳۸۹: ۹۰). این تعریف به همان اندازه که می‌تواند گویا باشد، می‌تواند نارسا نیز باشد. گویایی تعریف در دو عنصر نهفته است: نخست اینکه عامل رفتارهای غیرقانونی، انسان یا شخص حقوقی وابسته به آن است و شامل دیگر جانداران نمی‌شود؛ حتی اگر جانداران دیگر از باب تناسل بی‌رویه یا از بین بردن مراتع یا افزایش گازهای مخل برای جو زمین، به واقع زیان آور باشند، بازهم در چرخه طبیعت قرار دارند. بدیهی است که جانداران غیر از انسان نمی‌توانند مسئولیت کیفری داشته باشند، ولی آنچه که در اینجا سنج‌های برای ارزیابی تعریف

1. Total Oil Company  
2. Registro Italiano Navale (Rina)  
3. Tevere Shipping  
4. Panship Company  
5. Lindgren

جرائم محیط‌زیستی است، در واقع رفتار عقلانی انسان در برابر رفتار طبیعی جانداران است. به سخن دیگر، رفتارهای غیرقانونی محصول رفتار عقلانی انسان است، اعم از اینکه این عقلانیت در شخص حقیقی مدنظر قرار بگیرد یا شخص حقوقی.

دوم اینکه رفتار شخص مسئول (حقیقی یا حقوقی) نظم طبیعی و مستقر مظاهر طبیعت را برهم می‌زند و وضعیت بد و غیرطبیعی برای طبیعت ایجاد می‌کند. آنچه در اینجا مهم است، رویارویی وضعیت طبیعی و غیرطبیعی است. وضعیت طبیعی برآمده از فرآیند عوامل و نمادهای طبیعت است، هرچند که به تخریب محیط‌زیست بینجامد یا در حال فرسایش طبیعت باشد؛ ولی وضعیت غیرطبیعی برآمده از عملکرد انسان است، هرچند که ممکن است در ظاهر برای کمک رساندن به طبیعت یا کمک به انسان‌ها یا حیوانات باشد.

این نکته را باید در نظر داشت که وضعیت برآمده از دگرگونی‌های نامنظم طبیعی و رخدادهای ناگهانی (حوادث غیرمترقبه) گرچه ممکن است محیط‌زیست انسان و جانداران یا ابنیه را ویران کند، ولی می‌تواند برای اشخاص به ویژه اشخاص حقوقی مسؤلیت آور باشد و آن زمانی است که اشخاص مسئول در رفع آثار این رخدادهای ناگهانی اقدام بایسته نکنند و در پی ترک فعل آنها، تخریب محیط‌زیست تشدید شود یا به صورت‌های دیگر تبدیل شود. طبق تبصره ۲ ماده ۵۱۴ قانون مجازات اسلامی، افراد یا دستگاههایی که مسؤلیت اصلاح یا رفع آثار این‌گونه حوادث (علل قهری مانند سیل و زلزله) را برعهده دارند، در صورت تقصیر یا قصور قابل استناد در انجام وظیفه، ضامن هستند.

اما نارسایی‌ها و ابهامات این تعریف و هر تعریف دیگر می‌تواند در امکان‌سنجی عنصر زیان‌رسانی به طبیعت باشد. آیا برای تعریف جرائم محیط‌زیستی، زیان به طبیعت یک عنصر بنیادین است؟ زیان به طبیعت چه گستره و معیاری دارد؟ از سوی دیگر، در نظم حقوق کیفری کنونی، سمت نیز چهره مبهمی دارد. این ابهام از منظر گزینش جایگاه قضایی یا قانونی برای آن است. سمت شاکی در جرائم محیط‌زیستی به طور کلی یک مقوله پرونده‌محور و قضایی است و قانونگذار نمی‌تواند معیارهای احراز آن را از پیش تعیین کند.

## ۱-۲- پذیرش مسؤلیت کیفری برای جرائم محیط‌زیستی

اساساً، مسؤلیت بین‌المللی دو گونه است: مسؤلیت بین‌المللی مدنی و مسؤلیت بین‌المللی کیفری. مسؤلیت مدنی در واقع، جبران خساراتی است که در اثر نقض تعهدات و تخلف از مقررات بین‌المللی به کشور متعهد وارد می‌شود و در رده اهمیت معمولی قرار دارد؛ در حالی که مسؤلیت کیفری پاسخی است به نقض تعهداتی که دارای اعتبار و اهمیت بالاتری بوده و تخلف از آنها غیرقابل اغماض بوده و دارای جنبه کیفری است.



تا پیش از میانه سده بیستم، میان انواع نقض تعهد از لحاظ نوع و شدت، تفاوتی قائل نمی‌شدند. در واقع، به هر نوع نقض تعهد یکسان نگریسته می‌شد. از سده بیستم به بعد، جامعه بین‌المللی بین انواع نقض تعهدات تمایز قائل گردید و برخی از این نقض‌ها را موجب ایجاد مسئولیت کیفری برای ناقضان تعهدات دانست. یکی از مهمترین این عرصه‌ها، موضوع توسل به زور و زیر پا نهادن مقررات صلح و امنیت بین‌المللی است. به مرور زمان، بر وسعت مسئولیت کیفری بین‌المللی افزوده شد. یکی از موارد مهم این توسعه، جرائم و نقض‌های مربوط به محیط‌زیست است. در برخی از اسناد بین‌المللی، از مسئولیت بین‌المللی کیفری سخن به میان آمده و عدم رعایت قوانین محیط‌زیستی موجب ایجاد مسئولیت کیفری برای ناقضان آن شناخته شده است. با این حال، اساساً، کنوانسیون‌های محیط‌زیستی حاوی قوانین جزایی معدود و محدودی هستند. از میان کنوانسیون‌های مختلف که دربرگیرنده مقررات کیفری هستند، می‌توان به کنوانسیون بازل اشاره کرد (سویلن و پرابو<sup>۱</sup>، ۱۹۹۸: ۱۲).

در سال ۱۹۸۳ نیز شورای امنیت طی قطعنامه شماره ۵۴۰ خود،<sup>۲</sup> آلوده شدن آب‌های خلیج فارس بر اثر حمله به نفتکش‌ها و کشتی‌ها در آب‌های این منطقه را عامل تهدیدکننده صلح و امنیت بین‌المللی دانسته و آن را هم‌ردیف جرم تهدید و نقض صلح و امنیت بین‌المللی که موجب مسئولیت بین‌المللی کیفری است، تلقی نمود. در دعوی آزمایشات هسته‌ای نیز که توسط استرالیا علیه فرانسه مطرح گردید، استرالیا برای توجیه مسئله به حقوق بین‌الملل مربوط به تجاوز که جنبه کیفری دارد، استناد کرد. استرالیا ریزش مواد رادیواکتیو به سرزمین خود را نقض حاکمیت ارضی استرالیا تلقی نمود (مشکات، رمضانی و صلاحی، ۱۳۹۸: ۱۸۵).

### ۳-۱- مشارکت عمومی در حفاظت از محیط‌زیست

یکی از اصول حقوق بین‌الملل که به شدت مورد توجه قرار گرفته، اصل مشارکت عمومی است. این اصل از جمله عناصر محوری در تحقق حکمرانی مطلوب و توسعه پایدار بوده و منجر به اتخاذ تصمیمات و سیاست‌های آگاهانه‌تر، مناسب‌تر، مؤثرتر و واجد مشروعیت بیشتر می‌گردد (اسکوزن و همکاران<sup>۳</sup>، ۲۰۰۵: ۳۷). مشارکت عمومی در حوزه امور محیط‌زیست علاوه بر تضمین‌کنندگی تحقق مردم‌سالاری، فواید قابل ملاحظه‌ای در تضمین اجرای تصمیمات محیط‌زیستی دارد؛ چرا که موجب می‌گردد آحاد جامعه نسبت به محیط‌زیست علاقه بیشتری از خود نشان داده و نسبت به تصمیمات و سیاست‌های اخذشده حساسیت بیشتری به خرج دهند.

1. Soyilan & Prabhu

۲. قطعنامه ۵۴۰ شورای امنیت سازمان ملل متحد که در تاریخ ۳۱ اکتبر ۱۹۸۳ تصویب شد، سندی بین‌المللی درباره ایران-عراق است. این قطعنامه طی نشست ۲۴۹۳ با ۱۲ موافق، ۰ مخالف و ۳ ممتنع تصویب شد.

3. Skousen et al



حق افراد در برخورداری از محیط‌زیست سالم نیز از حقوق بنیادین بشر بوده است و این مهم در اسناد بین‌المللی متعددی مورد توجه قرار گرفته است. لذا، هر گونه فعالیتی که به محیط‌زیست صدمه‌ای وارد کند، موجب نقض این حقوق می‌شود. به سخن دیگر، حفاظت از محیط‌زیست جنبه مهمی از این حقوق به شمار می‌رود و حق بر حفاظت از محیط‌زیست، ایجاد حق و تکلیف می‌نماید. این حق و تکلیف مستلزم دسترسی به محاکم می‌باشد که در اسناد بین‌المللی متعددی نیز به آن اشاره شده است<sup>۱</sup> و مانند دیگر حقوق می‌بایست از ضمانت اجرا و دادرسی عادلانه برخوردار باشد. یکی از روشهای تحقق ضمانت اجرا، ایجاد راههای قانونی جهت دسترسی شهروندان و سازمانها و نهادهای غیردولتی و یا مردمی به محاکم است (جلالیان و نجفی اسفاد، ۱۳۹۱: ۲۱۱).

## ۲- مفهوم سِمَت در دعاوی

سِمَت عنوانی حقوقی است که به شخص این توانایی و اجازه را می‌دهد که از مرجع قضایی رسیدگی به دعوی را درخواست نماید و یا هر عمل حقوقی و اقدام قانونی را انجام دهد که مربوط به شخص او نمی‌باشد. لذا، در مواردی که رسیدگی به ادعا را خود مدعی تقاضا نموده و شخص حقیقی باشد (شخص حقیقی اصیل)، مفهوم سمت در نفع مستغرق می‌شود؛ به طوری که با احراز ذینفع بودن، نوبت به بررسی سمت نمی‌رسد و تصور شخص ذینفع و در عین حال، بی‌سمت غیرممکن می‌گردد. البته، برداشت مزبور در حقوق فرانسه نیز وجود دارد، ولی مورد اختلاف است (شمس و شاه حیدری پور، ۱۳۹۰: ۳۱۴). اگرچه عقیده مخالف قابل دفاع به نظر نمی‌رسد، دادگاه زمانی در بررسی وجود یا عدم سمت به عنوان شرط اقامه دعوا با تکلیف قانونی مواجه می‌شود که درخواست رسیدگی را شخص حقیقی اصیل به عمل آورده باشد. بنابراین، تنها در مواردی که رسیدگی را شخص حقوقی و یا شخص حقیقی غیراصیل تقاضا کرده باشد، دادگاه در مقام تشخیص قابلیت قبول یا رد دعوا باید سمت درخواست کننده را در کنار سایر شرایط اقامه دعوا مورد بررسی قرار داده و در صورت عدم احراز سمت شخصی که اقامه دعوا نموده، نسبت به صدور قرار ردّ دعوا مبادرت ورزد.

موضوع سمت در اعلام جرائم محیط‌زیستی یکی از موضوعات محل تأمل و اختلاف است. در سیستم حقوقی ایران، تخلف از مقررات حقوق محیط‌زیست عموماً برای شهروندان، به خودی خود، دلیلی برای اعلام شکایت در مراجع قضایی تلقی نمی‌شود؛ بلکه باید جرمی وقوع یافته باشد. در غیر این صورت، اعلام شکایت از سوی دیگر اشخاص و شهروندان یا سازمان‌های غیردولتی با سختی مواجه خواهد بود. در نظام قضایی فرانسه، داشتن منفعت عمومی از خصوصیات حفاظت از محیط‌زیست تلقی می‌شود. رویکرد اتحادیه اروپا و کشورهای عضو در تشخیص مجنی علیه جرائم

۶ اعلامیه استکهلم اصل ۱۰ اعلامیه ریو ماده ۱۴ و ۱۸ طرح پیش‌نویس میثاق حقوق همبستگی اصل ۲۴ منشور طبیعت.



محیط‌زیست دشوار است، زیرا مجنی علیه اصلی شخصیت حقیقی و حقوقی ندارد؛ ضمن آنکه ارزش محیط‌زیست ذاتی است (رمضانی قوام‌آبادی، ۱۳۹۰: ۲۱۸).

## ۱-۲- نقش سازمانهای مردم‌نهاد (سمن)ها در جرائم محیط‌زیستی

دولت‌ها همواره به دنبال سازوکارهای مناسبی برای جلوگیری از تخریب و تجاوز به محیط پیرامون انسانها هستند. در میان این سازوکارها، آن دسته از اقدامات که باعث «پیشگیری» از وقوع جرائم محیط‌زیستی می‌شوند، از اهمیت بسیار بیشتری برخوردارند. اصولاً، روشهای مبارزه با جرم به دو مرحله قبل از وقوع (پیشگیری) و بعد از ارتکاب جرم (تعقیب و مجازات مجرم) تقسیم‌بندی می‌شوند. با توجه به ویژگیهای خاص محیط‌زیست و جرائم محیط‌زیستی (از جمله اهمیت کم‌تر نسبت به سایر جرائم در نزد دولتها، مشخص نبودن زیان‌دیده در این گونه جرائم و در بسیاری از موارد، جبران‌ناپذیر بودن آثار منفی تخریب محیط‌زیست و...)، سمن‌ها می‌توانند نقش بی‌مانندی را در مبارزه با جرائم محیط‌زیستی، چه در مرحله پیشگیری و چه در مرحله تعقیب و مجازات خاطیان، ایفا نمایند.

در مرحله پیشگیری (گرچه موضوع پیشگیری از جرائم معمولاً در بستری کاملاً رسمی و دولتی شکل می‌گیرد و سازمانهای مردم‌نهاد در آن جایگاه مناسبی ندارند)، سازمان‌های مردم‌نهاد (سمن‌ها) در هر کشوری می‌توانند از طرقی همچون آموزش (ایجاد کارگاه‌ها و جلسات آشنایی با محیط‌زیست و نحوه حفاظت از آن و...)، حساس‌سازی افکار عمومی و حتی تجهیز، ظرفیت‌سازی و تقویت جوامع بومی در مقابل اتفاقات راجع به محیط‌زیست و حل معضلات ذی‌ربط، اطلاع‌رسانی به موقع در جهت جلوگیری از ارتکاب جرائم محیط‌زیستی و...، در این زمینه نقش مؤثری ایفا نمایند (ابیدین و همکاران<sup>۱</sup>، ۲۰۲۲: ۴).

## ۳- نحوه احراز سمت در جرائم محیط‌زیستی در حقوق ایران و اتحادیه اروپا

### ۱-۳- حقوق ایران

در حقوق ایران از جهت معیار، حقوق کیفری به درستی نمی‌داند از چه چیزی حمایت کیفری کند. محیط‌زیست را پدیده‌ها، مواد و عناصر متعددی مانند جنگل‌ها، آب، جانداران، گیاهان و مانند اینها شکل می‌دهند. پس در واقع، نمی‌توان کلتی به نام محیط‌زیست را برای حقوق کیفری تعریف کرد، بلکه باید مشخصاً روشن شود که موضوع حمایت کیفری چیست. در واقع، حقوق کیفری عادت به تعیین موضوع با ارزش خاصی دارد که بتوان رفتار مجرمانه ضد آن را تعیین کرده و به دادخواهی از آن پرداخت. همچنان که به زبان ساده نمی‌توان جرم ضد شهر یا جرم ضد استان یا جرم ضد محله‌ای از شهر را تصور کرد، جرم ضد محیط‌زیست نیز قابلیت حمایت کیفری ندارد.

1. Abiddin et al



با این حال، این رویکرد در حقوق کیفری، سنتی است و حقوق کیفری در معرض سازوکارهای حمایت کیفری از ارزش‌های کلان مانند محیط‌زیست یا شهر یا استان یا کشور قرار نگرفته است. گاه نیز مفهوم آن زیر سایه تعابیر سیاسی و اعتباری مانند امنیت ملی، قلمرو سرزمینی یا منافع ملی قرار گرفته و نتوانسته چهره خود را نشان دهد؛ برای نمونه، با تحقق هر آزمایش یا آزمایش تسلیحاتی، ویرانگری‌های گسترده‌ای در محیط‌زیست پیش می‌آید، ولی مفهوم امنیت ملی یا تقویت امنیت نظامی در چنین مواقعی اساساً اجازه مداخله شخص حقیقی یا حقوقی در حمایت از محیط‌زیست را نمی‌دهد (داگلاس وایت، ۱۳۹۴: ۱۸۲).

از جهت مصداق، حقوق کیفری ایران در چگونگی حمایت کیفری از محیط‌زیست سردرگم است. جرم‌انگاری، مسوول‌انگاری، کیفرگذاری و وضع اقدامات تأمینی معمول‌ترین مصداق‌های حمایت کیفری از محیط‌زیست‌اند. لذا، یکی از اصول اساسی در زمینه سیاست کیفری، پیش‌بینی مجموعه قوانین منسجم و منظم به منظور تأمین اهداف آن است (کوشکی، ۱۳۸۹: ۶۵)؛ لیکن، در حقوق کیفری ایران، جرم‌انگاری، نحوه احراز سمت و کیفرگذاری به صورت پراکنده صورت گرفته و اثر چشمگیری در حمایت کیفری از محیط‌زیست ندارد. دلیل این امر، ضعف نظام مسئولیت کیفری و فقدان اقدامات تأمینی در راستای مسئولیت اجتماعی شهروندان در این زمینه است.

در حقوق ایران، در خصوص نحوه احراز سمت در پرونده‌های جرائم محیط‌زیستی نیز باید قائل به تمایز شد. میان خسارت‌های عام و خسارت‌های خالص محیط‌زیستی<sup>۱</sup> (یعنی، خسارت به محیط‌زیست طبیعی شامل آب، خاک، هوا، و سایر منابع طبیعی) تفاوت وجود دارد؛ به این صورت که در خسارت‌های عام، اشخاصی که متحمل خسارت شده باشند، می‌توانند ادعای خسارت نمایند و این امر از بدیهیات حقوق مسئولیت مدنی است که در مواد متعدد قانون مسئولیت مدنی به وضوح مورد اشاره قرار گرفته است. در این باره، ماده ۲۹ قانون نحوه جلوگیری از آلودگی هوا مقرر می‌دارد «صاحبان و مسئولان این گونه کارخانجات و کارگاه‌های آلوده‌کننده... مکلف به پرداخت ضرر و زیان وارده به محیط‌زیست و اشخاص حقیقی و حقوقی هستند». بنابراین، اشخاصی که در اثر اقدامات علیه محیط‌زیست دچار ضرر و زیان شده باشند، چه ضرر و زیان مالی باشد و یا غیرمالی و جسمانی، می‌توانند دعوای حقوقی مطرح کنند؛ چون ذینفع هستند و ماده ۲ قانون آئین دادرسی مدنی نیز مقرر می‌دارد «هیچ دادگاهی نمی‌تواند به دعوایی رسیدگی کند، مگر اینکه شخص یا اشخاصی ذینفع... رسیدگی به دعوا را برابر قانون درخواست نموده باشند». راجع به مطالبه ضرر و زیان‌های خالص محیط‌زیستی نیز باید گفت که در قوانین مربوط به حفاظت از محیط‌زیست، ماده ۱۴ قانون حفاظت و بهسازی محیط‌زیست مقرر می‌دارد: «در مورد جرائم مقرر

1. Net Environmental Damage



در این قانون، سازمان (حفاظت محیط زیست) حسب مورد، شاکی و یا مدعی خصوصی شناخته می شود. لذا، مطالبه ضرر و زیان های خالص محیط زیستی از وظایف مسئولین زیست محیطی بوده و فقط آنان جهت اقامه و پیگیری دعوی سمت خواهند داشت؛ به عنوان نمونه، سازمان جنگل ها و مراتع می تواند خسارت های وارده بر جنگل ها و مراتع را مطالبه کند و یا سازمان محیط زیست خسارت هایی همچون آلودگی هوا، آلودگی صوتی یا آلودگی آب را مطالبه کند (حبیبی، ۱۳۸۲: ۱۶۲). در مورد سازمان های مردم نهاد<sup>۱</sup> نیز ماده ۲۹ قانون نحوه جلوگیری از آلودگی هوا قابل اعمال می باشد.

بنابراین، اشخاص حقوقی می توانند ضرر و زیان های وارده به خود را مطابق این مقرره های قانونی مطالبه نمایند. در واقع، سازمان های مردم نهاد نیز می توانند بر اساس قانون، خساراتی را که به وظایف و اهداف آنها وارد می شود، از عاملین زیان مطالبه نمایند. به عبارت دیگر، در خصوص خسارت هایی که به اشخاص حقوق عمومی وارد شده باشد، چون آنها نیز شخصیت حقوقی دارند، می توانند دعوای مطالبه خسارت اقامه نمایند؛ بطوریکه اگر یک شخص حقوقی که وظایف و اختیارات حمایت از محیط زیست داشته باشد و این هدف در اساسنامه آن انجمن یا گروه و سازمان غیردولتی پیش بینی شده باشد، می تواند خسارت هایی که به اهداف آنها وارد شده باشد را مطالبه نماید. در واقع، سازمان های غیردولتی که هدفشان حمایت، حفاظت و پاکسازی محیط زیست است، هر نوع ضرر به هدفشان، خسارت به سرمایه معنوی است که این سازمانها اندوخته اند و از دارایی آنها محسوب می شود و در اقامه دعوی مسئولیت مدنی، ذینفع محسوب می شوند.

## ۲-۳- قانون آیین دادرسی کیفری ۱۳۹۲ و نقش سازمان های مردم نهاد در جرائم محیط زیستی

سازمان های مردم نهاد «سمن»ها می توانند در پاسخ به جرائم محیط زیستی به دو طریق به نظام قضایی یاری رسانند: اول اینکه آنها در راستای تحقق اهداف خود، وقوع بزه محیط زیستی را به مراجع قضایی اعلام و گزارش کنند و دوم، در فرایند کیفری به زیان دیدگان از این جرائم کمک نمایند. ضمن اینکه با اطلاع رسانی، فرهنگ سازی و ایجاد حساسیت در جامعه، در حمایت از محیط زیست به ایفای نقش پردازند. دولت ها در کنار برنامه های خود در حفاظت از محیط زیست و مبارزه با جرائم محیط زیستی، به وجود سمن ها نیازمندند. این تشکل ها با توجه به ارزش های فرهنگی و اجتماعی جامعه می توانند زمینه مشارکت مؤثر مردم را برانگیزند (حسینی، ۱۳۸۲: ۱۰۶).

با تأمل در مقررات نظام دادرسی کیفری قبلی می توان پی برد که هیچ گونه نقش حمایتی برای مشارکت سازمان های غیردولتی در فرآیند دادرسی کیفری در نظر گرفته نشده بود. تنها نقش پیش بینی شده برای آنها این بود که مانند سایر شهروندان می توانند اعلام جرم کنند و مقامات

1. NGO

قضایی در راستای اعلام جرم آنها، چنانچه سایر اوضاع و احوال نیز دلالت بر اتکاب جرم می‌کرد، می‌توانستند اقدامات لازم به منظور کشف و تعقیب جرم را به عمل آورند. خوشبختانه، قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲ در راستای تقویت نقش سازمانهای مردم‌نهاد در فرایند دادرسی کیفری و در جهت حمایت از بزهدیدگان جرائم خالص، بر حضور مؤثر و مفید آنان در فرایند دادرسی کیفری صحنه گذاشته است. حضور و مشارکت سازمانهای غیردولتی آنگاه ضرورت خود را بیشتر آشکار می‌کند که در حقوق کیفری جرائم بدون بزهدیده نیز وجود دارد. به عبارت دیگر، در این جرائم، شاکی و بزهدیده ملموس و عینی همانند جرائمی مانند قتل، ضرب و جرح و سرقت و غیره وجود ندارد تا موضوع را تعقیب کند؛ بلکه مدعی‌العموم باید به نمایندگی از عموم مردم حسب مورد، مجرم را تعقیب کند. در همین راستا، به موجب ماده ۶۶ قانون آیین دادرسی کیفری، سازمانهای غیردولتی‌ای که اساسنامه آنها در زمینه حمایت از اطفال و زنان، اشخاص بیمار و دارای ناراحتی جسمی یا ذهنی، محیط‌زیست، منابع طبیعی، بهداشت عمومی و حقوق شهروندی است، می‌توانند نسبت به جرائم ارتكابی در زمینه فوق‌الذکر اعلام جرم کنند و در تمام مراحل دادرسی جهت اقامه دلیل شرکت کنند و همچنین، می‌توانند نسبت به آراء دادگاهها اعتراض کنند و در تبصره همین ماده مقرر شده است که ضابطان دادگستری و مقامات قضایی مکلفند بزهدیدگان موضوع این ماده را از کمک سازمانهای غیردولتی مربوطه آگاه کنند. البته، همان‌گونه که ملاحظه می‌شود، در این ماده قانونی از به رسمیت شناختن سازمانهای غیردولتی به‌عنوان شاکی خودداری شده است؛ ولی در فرآیند کیفری، حق حضور در تمام مراحل رسیدگی و اعتراض به آراء را نیز برای آنها قائل شده است (طلوعی مقدم و داودی گرمارودی، ۱۴۰۰: ۳۶).

با این وصف، ماده ۶۶ قانون آیین دادرسی کیفری که یکی از بارزترین نوآوری‌های این قانون می‌باشد، به نوعی، هویتی دوباره به کالبد سازمانهای مردم‌نهاد بخشیده و توانی را که سال‌های متوالی نبود آن در قوانین مربوط به این سازمانها مشاهده می‌شد، به آنها داده است تا به خصوص در حوزه جرائم محیط‌زیستی که سازمانهای مردم‌نهاد زبان‌گویای آن به حساب می‌آیند، بتوانند بدین وسیله به کمک محیط‌زیست و بزهدیدگان این جرائم پردازند.

لازم به ذکر است، علاوه بر نقش سمن‌ها، با توجه به این که جرائم محیط‌زیستی اکثراً از مصادیق جرم علیه منافع عمومی است، مدعی‌العموم (دادستان) نیز حق و تکلیف طرح دعوی کیفری را برای مجازات مجرم دارد.

### ۳-۳- حقوق اتحادیه اروپا

از نظر تاریخی، اروپا مهد شکل‌گیری جریان طرفداران محیط‌زیست و جنبش‌های دوستدار طبیعت است. این مسأله به خاستگاه‌های مکاتب فکری طبیعت‌محور برمی‌گردد که عمدتاً، در غرب اروپا



به ویژه کشورهای آلمانی زبان نظیر آلمان، سوئیس و اتریش تکامل یافته‌اند. در این کشورها، از بدو شکل‌گیری انقلاب صنعتی و استیلای تدریجی بشر بر کره زمین و توسعه روزافزون و به نوعی، لجام گسیخته صنعت و فناوری، نوعی نگرانی از پیامدهای سلطه بشر بر طبیعت شکل گرفته که منجر به نگاه محافظه کارانه در برابر توسعه بی‌رویه در همه ابعاد آن شده است؛ به‌عنوان مثال، مرور این جریان‌ها نشان می‌دهد با ورود نهاده‌های شیمیایی از قبیل کودها و آفت‌کش‌های شیمیایی به چرخه تولید انبوه محصولات کشاورزی در دهه‌های آغازین قرن بیستم، جریان‌های فکری محیط‌زیستی شکل گرفت و نسبت به کاربرد بی‌رویه آنها و اثرات زیانبار آن بر انسان، موجودات زنده و طبیعت، موضع‌گیری جریان‌های اروپایی آغاز شد. بر همین اساس، این جریان‌ها از چنان قدرتی برخوردار شدند که حزب‌های موسوم به طرفداران محیط‌زیست در ابعاد سیاسی نیز قدرتمند شده و با اقبال بسیار مردم اروپا نیز مواجه گردیدند؛ به‌عنوان مثال، در آلمان، احزاب طرفدار محیط‌زیست در سالهای اخیر هم وزیر در کابینه آلمان داشته‌اند (یوشکا فیشر وزیر امور خارجه) و هم در سال ۲۰۱۱ میلادی و پس از فاجعه اتمی ژاپن توانستند افکار عمومی را چنان برانگیخته کنند که آلمان متقاعد شد نیروگاههای هسته‌ای خود را تا زمان تجدیدنظر جدی در استانداردهای ایمنی و جنبه‌های محیط‌زیستی بهره‌برداری از آنها، در چند ایالت تعطیل کند.

در زمینه ملاک‌های احراز سمت نیز اصولاً نظام‌های حقوقی مبتنی بر منافع معمولاً نیاز به احراز منافع مستقیم و واقعی و خاص را ضروری می‌دانند و شاکی، علاوه بر نگرانی مستقیم (رابطه سببی مستقیم میان اقدام و صدمه وارد شده به خواهان)، نیازمند اثبات نگرانی شخصی (متأثر شدن خواهان از اتفاقات روی داده‌شده به دلیل ویژگی خاص آن اتفاقات) نیز هست (رمضانی قوام‌آبادی و جوادمنش، ۱۳۹۵: ۹۸۳). دیوان دادگستری اتحادیه اروپا از دگرگونی و تغییر رویکردش در مورد سمت در مواقع گوناگون، با وجود اعتراض‌های فراگیر، خودداری می‌ورزید. با این وصف، مطابق با رویه این دیوان، سه حالت برای امکان طرح شکایت از سوی انجمن‌ها و گروه‌های فعال در حوزه منفعت عمومی قابل‌تصور است: الف) هنگامی که مقررات قانونی حق مداخله در دادرسی را به این انجمن اهدا می‌کند، ب) هنگامی که یکی از اعضای انجمن به طور مستقیم و به صورت شخصی نگران و مسئول است و ج) زمانی که منافع انجمن و بویژه، موقعیت انجمن تحت تأثیر قرار گیرد (همان منبع: ۹۹۲). همانطور که گفته شد، ماهیت دعاوی محیط‌زیست به گونه‌ای است که امکان اثبات متأثر شدن به طور متمایز از سایرین و عبور از ملاک نگرانی شخصی را ناممکن می‌کند؛ زیرا هدف از طرح این دعاوی، حفاظت از کالا یا منفعی است که به طور کلی، متعلق به جامعه است. از این رو، شکات می‌بایست در اعلام شکایت خود نقض حق عمومی ماهوی خود را اثبات کنند تا دارای سمت به شمار روند و محاکم این ملاک را به دقت بررسی می‌کنند. در غیر این صورت، مشارکت گروه‌های غیردولتی در این عرصه محدود به همان اطلاع‌رسانی مراجع

قضایی ذیصلاح و گزارش دادن جهت تکمیل فرایند سایر شکایات مطروحه محیط‌زیستی تحت عنوان «مدافعان محیط‌زیست» می‌باشد (کمیسیون اروپا<sup>۱</sup>، ۲۰۲۱: ۵۴).

با این اوصاف، به نظر نمی‌رسد اصل حمایت قضایی مؤثر، تأثیری قابل توجه در عملکرد دادگاه‌های کشورهای عضو اتحادیه اروپا در حوزه محیط‌زیست گذاشته باشد. نظام حقوقی آلمان در حوزه محیط‌زیست با الزامات کنوانسیون آرهوس منطبق نیست. در مقابل، کشورهای نظیر انگلستان و ولز و لهستان تردید دارند که استفاده از معیارهای سمت با مفهوم و دایره شمول گسترده‌تر در قوانین داخلی شان منطبق بر الزامات کنوانسیون باشد. همچنان، وضعیت حقوقی نسبت به قبل از الحاق به کنوانسیون آرهوس تغییر چندانی نکرده است (رمضانی قوام آبادی و جوادمنش، ۱۳۹۵: ۹۹۳).

مطابق قانون آیین دادرسی کیفری فرانسه، مقررات مفصلی راجع به حمایت از انجمن‌های کمک به بزه‌دیدگان ناشی از خسارات محیط‌زیستی وضع شده است. در صورت وجود برخی شرایط، این انجمن‌ها می‌توانند نقش شاکی پیدا کنند و حتی می‌توانند اقامه دعوا کنند. بدین منظور، در مقررات دادرسی کیفری کشور فرانسه، این انجمن‌ها به بزه‌دیده و دادستان کمک شایانی در جهت وصول به اهداف نظام عدالت کیفری می‌کنند. اصول احتیاطی، پیشگیری و... بطور کلی و در حد تعاریف، در قوانین محیط‌زیست فرانسه مورد اشاره قرار گرفته‌اند. در حقوق فرانسه، کنسول عالی و کمیته‌های تحت نظارت وی نقش مهمی در زمینه بررسی و پیشگیری از خطرات داشته و می‌تواند به‌عنوان شاکی اقامه دعوا نمایند؛ اما به دلیل اینکه کنسول عالی مقام رسمی دولتی به حساب نمی‌آید و معمولاً، فاقد بودجه اختصاصی هستند، اعضای کمیته‌ها که از متخصصان علوم مختلف هستند، طبق قانون، هر ۵ سال یکبار می‌بایست گزارشی از عملکرد خود و پیشنهاد روشهای جدید ارائه دهند؛ اما بدلیل اینکه در عمل، ارائه این گزارش جنبه اجرایی نیافته و فاقد ضمانت اجرا می‌باشد، باعث شده تا اعضاء کمیته علاقه‌ای به فعالیت و شناخت تکنولوژیهای جدید محیط‌زیستی که منجر به ارائه پیشنهادات و اختراعات جدید می‌شود، از خود بروز ندهند (بیانکو و همکاران<sup>۲</sup>، ۲۰۱۵: ۴۳).

در سطح اتحادیه اروپا، برخی تلاش‌ها به منظور بهبود دسترسی به عدالت با استفاده از قوانین طراحی شده است؛ از جمله تدوین دستورالعمل اتحادیه اروپا درباره دسترسی به عدالت در زمینه پروژه‌هایی که به احتمال زیاد تأثیر زیانباری بر محیط‌زیست دارند؛ همانطور که در دستورالعمل کمیسیون اروپایی در مورد سیاست‌های محیط‌زیست در طی سالهای ۲۰۲۴-۲۰۱۹ نیز به نقش شهروندان (به جهت ترس آنها از آینده) تأکید بسیار شده است (حاجی چامبیس<sup>۳</sup>، ۲۰۲۲: ۳).

1. European Commission
2. Bianco et al
3. Hadjichambis



در سیستم‌های حقوقی خاص، همچون آلمان و ایتالیا و سوئد، انجمن‌ها و نهادهای غیردولتی در صورتی دارای سمت می‌باشند که دارای شخصیت حقوقی ثبت شده و حداقل معیارهای قانونی برای این منظور باشند؛ البته، رعایت این شرایط در برخی کشورها همچون انگلستان و فرانسه مورد نیاز نمی‌باشد (رمضانی قوام آبادی و جوادمنش، ۱۳۹۵: ۹۹۳).

با توجه به توضیحات ارائه شده، چنین استیفا می‌شود که معیارهای احراز سمت در اتحادیه اروپا اغلب بر مبنای آسیب‌های محیط‌زیستی تدوین نشده‌اند، بلکه با حمایت از حقوق افراد مرتبطند. از سوی دیگر، قانون کشورهای عضو اتحادیه شرایطی برای اقامه دعوا از سوی انجمن‌ها تعیین می‌کند که اغلب محقق نمی‌شوند. به این منظور، دیوان دادگستری اتحادیه اروپا می‌بایست به منظور تطابق با کنوانسیون آرهوس، سازمان‌های محیط‌زیستی غیردولتی را نیز مستند به ماده ۱۱ مقررات آرهوس، برای اقامه دعوا در برابر اقدامات زیانبار برای محیط‌زیست اتحادیه اروپا دارای سمت در نظر بگیرد. بدین منظور، ضرورتی ندارد که تفسیر فعلی خود را از مفهوم نگرانی شخصی تغییر دهد، بلکه می‌تواند سازمانهای غیردولتی را در جهت اجرای الزامات مقرر در ماده ۱۱ مقررات آرهوس نیازمند اثبات نگرانی‌های شخصی ندانسته و در نتیجه، سازمان‌های غیردولتی در مقام حافظان محیط‌زیست نیز می‌توانند به نیابت از طبیعت که قادر به اقامه دعوا برای حمایت از خودش نیست، این مهم را برعهده گیرند.

البته، همانگونه که در قسمت قبل بدان اشاره شد، کشور آلمان عملکرد دیگری در رابطه با احراز سمت و حق مراجعه به محاکم در حوزه محیط‌زیست دارد. در این کشور، سازمان‌های غیردولتی، بدون اینکه موظف به اثبات وارد آمدن لطمه به حق شخصی خود ناشی از اقدام مورد اعتراض باشند، دارای سمت شناخته می‌شوند. بعد از مطالعات و آزمون و خطاها در این کشور بالاخره در سال ۲۰۰۳، این دکتترین حاکم شد که امکان دسترسی به محاکم و عدالت برای اشخاص حقیقی و حقوقی خصوصی برای حمایت از محیط‌زیست می‌تواند به اعطای حق به طبیعت، جهت اقامه دعوی جبران، تعبیر شود؛ زیرا اشخاص و سازمان‌های فعال در این حوزه می‌توانند نقش سرپرست را برای طبیعت (محیط‌زیست) ایفا کنند، مانند اشخاص ناتوان که رأساً قادر به استیفا و اجرای حقوق خود نیستند.

#### ۴- چالش‌های اشخاص حقیقی و حقوقی غیردولتی در جرایم محیط‌زیستی

در بیشتر جرائم مقید و در صدر همه آنها، هنگامی که نتیجه به‌عنوان معلول رفتار محقق می‌شود، جرم ارتکاب می‌یابد. به سخن دیگر، عنصر نتیجه، همانند عنصر رفتار و موضوع، باید به طور قطعی محقق شود تا جرم تام نمود یابد. اگر در چنین جرایمی، عنصر نتیجه محقق نشود، برحسب مورد در قالب شروع به جرم یا بزه عقیم، در زمره جرائم ناقص بوده و اشخاص حقیقی و حقوقی در طرح دعوا با مشکلاتی مواجه خواهند شد؛ مشکلاتی نظیر اینکه هنوز جرمی محقق نشده و در



نتیجه، مسئولیتی برای آلوده‌کننده وجود ندارد. به عبارتی دیگر، این چالش مطرح است که آیا سمت شاکی قطعی است یا محتمل؟

تعریف قانونی از جرم محیط‌زیستی به طور آشکار گرایش به افزودن عنصر نتیجه دارد. شاخص‌ترین مصداق جرم محیط‌زیستی که همان آلودگی محیط‌زیست است، در تبصره ۲ ماده ۶۸۸ قانون مجازات اسلامی بخش تعزیرات بدین‌گونه تعریف شده است: «منظور از آلودگی محیط‌زیست عبارت است از پخش یا آمیختن مواد خارجی به آب یا هوا یا خاک یا زمین به میزانی که کیفیت فیزیکی، شیمیایی یا بیولوژیک آن را بطوری که به حال انسان یا سایر موجودات زنده یا گیاهان یا آثار یا ابنیه مضر باشد، تغییر دهد.» «مضر بودن» در این مقرر و «زیان آور بودن» در ماده ۹ قانون حفاظت و بهسازی محیط‌زیست مصوب ۱۳۵۳ با اصلاحات بعدی که عبارت‌های این ماده با کمی دگرگونی در تبصره ۲ پیش‌گفته بیان شده است، نشان‌دهنده اولویت عنصر نتیجه بر عنصر رفتار است (حاجی‌وند و همکاران، ۱۳۹۷: ۶۸). به سخن دیگر، انسان بخشی از طبیعت است و همه فعالیت‌های وی می‌تواند بر طبیعت اثر منفی بگذارد، ولی آنچه ملاک جرم‌بودن برای رفتارهای انسان است، زیان‌آور بودن برای جانداران از جمله خود انسان و آینده طبیعت است. با توجه به شرط نتیجه، در واقع باید ارزیابی شود که آیا مصداق‌های آلودگی محیط‌زیست که در قانون مجازات اسلامی به ویژه ماده ۶۸۸ آمده است، زیان‌آورند یا خیر. همین امر باعث ایجاد ابهامات و پیچیدگی در احراز سمت می‌شود. شاکی چگونه می‌تواند اثبات نماید محیط‌زیست دچار آسیب جدی خواهد شد؛ به ویژه آن که بیشتر جرائم محیط‌زیستی سالیان زیادی طول می‌کشد تا اثر عینی و خارجی‌اش که همان زیان‌آور بودن است را نمایان سازند؛ به‌عنوان نمونه، در مورد نشت نفت اکسون‌والدز، نشت اولیه نفت در سال ۱۹۸۹ رخ داد و تا چند دهه بعد از آن حادثه نیز جمعیت بومی زیان‌هایی را تجربه نموده‌اند. بر همین اساس است تلاش‌هایی جدی نیز در جهت ضمانت اجرای قوی قوانین و هماهنگی و سیاست‌گذاری‌های ملی برخی کشورها جهت جلوگیری از تکرار این قبیل صدمات زیانبار گسترده و طولانی‌مدت محیط‌زیستی ناشی از حوادث نفتی در دست اقدام می‌باشد (ناگیا و میلر<sup>۱</sup>، ۲۰۲۳: ۳۴).

جدای از موضوع یادشده، لازم به ذکر است جرائم محیط‌زیستی عمدتاً رفتارمحور بوده و در زمره جرائم مطلق طبقه‌بندی می‌شوند. برخی از مقررهای کیفری شاخص مانند مواد ۱۰ الی ۱۳ قانون حفاظت و بهسازی محیط‌زیست مصوب ۱۳۵۳ و اصلاحات بعدی که به شکار جانداران حمایت‌شده یا تخریب گیاهان یا خرید و فروش اشاره می‌کند، مشروط به هیچ نتیجه‌ای نیستند. حتی ماده ۶۸۸ قانون مجازات اسلامی - بخش تعزیرات، متکی به نتیجه قطعی نیست و عنصر اصلی جرم، همان رفتار است. رفتارهایی مانند آلوده کردن آب آشامیدنی یا توزیع آب آشامیدنی آلوده، دفع

1. Nagega & Miller



غیربهداشتی فضولات انسانی و دامی و مواد زاید، ریختن مواد مسموم کننده در رودخانه‌ها، زباله در خیابانها و کشتار غیرمجاز دام، استفاده غیرمجاز فاضلاب خام فارغ از هر پیامدی و همچنین، فارغ از اینکه چه کسی اعلام جرم کرده، ذینفع بوده یا خیر، سرزنش پذیرند. در این خصوص، مبرهن است که ترویج اخلاق و فرهنگ محیط‌زیستی در جامعه و لحاظ این مهم در سیاست‌گذاری‌های کیفری در عرصه محیط‌زیست به منظور پیشگیری از این قبیل جرائم محیط‌زیستی، خود موجبات کاهش ارتکاب به رفتارهای مجرمانه از سوی اشخاص حقیقی یا حقوقی را از یک سو و افزایش مؤثر ضمانت اجرایی در حمایت کیفری از خود محیط‌زیست را از سوی دیگر فراهم می‌سازد (جوان جعفری و حاجی‌وند، ۱۴۰۰: ۲۰۳). با این وصف، در جرائم محیط‌زیستی رفتارمحور، احراز سمت به ویژه از منظر حق بر محیط‌زیست سالم و ضرورت برخورداری از این حق برای نسل‌های کنونی و نسل‌های آتی می‌تواند امری قضایی، پرونده‌ای و در عین حال، گسترده باشد.

#### ۵- مسئولیت کیفری عاریتی رهیافتی در جهت سمت

در مسئولیت کیفری نیابتی، فرض یا اعتبار می‌شود که شخص مرتکب جرم شده و در نتیجه، مسئولیت کیفری دارد؛ بی‌آنکه به واقع فعلی از وی سرزده باشد. به دیگر سخن، این مسئولیت کیفری مبتنی بر فعل و رفتار غیر است که بر اساس نظریات متفاوت مطروحه یا مبتنی بر فرض وجود یک رابطه علیت میان رفتار اولیه و نتیجه مجرمانه (مفهوم موسع) یا وجود رابطه کاری میان مرتکب جرم و متهم و دستور صادره از سوی اصیل (مفهوم مضیق) و یا قابلیت انتساب قانونی اعمال غیر به فرد اولیه (مفهوم میانه) است (سورانی، ۱۳۹۸: ۶۸).

در نظام کیفری اتحادیه اروپا، پذیرش مسئولیت نیابتی در سه دوره، نوزادی از سال ۱۸۴۸ تا ۱۹۰۰، کودکی از ۱۹۰۰ تا ۱۹۴۰ و جوانی از سال ۱۹۴۰ تا ۱۹۹۰، تماماً مبتنی بر تحولات و رویه‌های قضایی بدون لحاظ قانونگذاری مطرح بود و از دوره جوانی نیز مسئولیت کیفری در این حوزه مد نظر قرار گرفته است. مسئولیت نیابتی همزمان با مسئولیت اشخاص حقوقی و نیز مسئولیت محض تکامل یافته است. لازم به ذکر است، گرایش به پذیرش مسئولیت محض در اروپا از نیمه دوم سده هجدهم میلادی بوده که بعداً، در نظام کیفری ایالات متحده آمریکا نیز مطرح شد. این پیشینه گواه بر این است که مسئولیت کیفری محض نیابتی برای اشخاص حقوقی که در قرن بیستم در آمریکا رواج بسیار داشت، مبتنی بر رویه‌ای است که از انگلستان آغاز شده است (گرینبرگ و بروتمن<sup>۱</sup>، ۲۰۱۴: ۸۷).

مطابق تخمین برنامه محیط‌زیست اتحادیه اروپا و اینترپل، جرائم محیط‌زیستی چهارمین فعالیت مجرمانه جهان است که هر ساله بین ۵ تا ۷ درصد افزایش می‌یابد. جرائم محیط‌زیستی به‌عنوان یکی از سودآورترین اشکال فعالیت جنایی فراملی شاخته شده است. ارزش پولی آن‌ها در سال

1. Greenberg & Brotman

۲۰۱۶ بین ۹۱ تا ۲۵۹ میلیارد دلار در سال تخمین زده شد که نسبت به سال ۲۰۱۴، ۲۴ درصد افزایش داشته است. به تفکیک، ۷۰ درصد از جرائم محیط‌زیستی مربوط به آب، ۱۶.۷ درصد مرتبط به حیات وحش، ۸.۳ درصد مربوط به مواد خطرناک و ۵ درصد مربوط به هوا می‌باشد. لازم به ذکر است که میزان جرائم محیط‌زیستی اتحادیه اروپا در سال ۲۰۲۱ نیز ۶۲ مورد بوده است که نسبت به سالهای گذشته افزایش داشته است.<sup>۱</sup>

فراگیر بودن، تنوع و پیامدهای گران جرائم محیط‌زیستی، اقتضای نگرش‌های نو در حقوق کیفری ایران دارد. با این اوصاف، صرف نظر از نوع و دامنه رویکردهای متفاوت متخذه در زمینه مسئولیت کیفری نیابتی، به نظر می‌رسد وجود سه ضلع یک مثلث، یعنی قضایی بودن، علمی بودن و اعتباری بودن در عرصه مسئولیت کیفری می‌تواند رهیافتی مؤثر برای پاسخگو کردن همه اشخاص اعم از حقوقی و حقیقی و یا دولتی و خصوصی در قبال جرائم محیط‌زیستی باشد. بر همین اساس، گسترش مفهوم سمت و قطعی دانستن آن می‌تواند بستر ساز تحقق مسئولیت کیفری عاریتی نیز باشد؛ چرا که افزایش گستره مفهوم سمت زمانی می‌تواند چنین گستره‌ای را بستر سازی کند که صبغه قضایی داشته باشد. در واقع، در چنین صورتی است که مرجع قضایی مکلف نیست که ذینفع بودن یا نبودن را احراز کند، بلکه فراتر رفته و تنها به پیوند میان انجام‌دهنده رفتار و فعل و خود فعل و احراز نتیجه‌ای که در آینده ممکن است محقق شود، می‌پردازد.

### بحث و نتیجه‌گیری

انسان در یک نظام زیستی که شامل موجودات زنده، هوا، آب و خاک است، زندگی می‌کند و خود او نیز جزئی از این نظام محسوب می‌شود. برای بقای نظام، تعادلی که میان اجزاء آن وجود دارد، نباید برهم‌بخورد؛ زیرا در این صورت، زندگی موجودات و از جمله انسان به خطر خواهد افتاد. اگر انسان در نظام زیستی دخالت شدید روا ندارد، این تعادل باز هم برقرار خواهد شد، همچنان که قرن‌ها چنین بوده است؛ اما از زمانی که انسان بر طبیعت اطراف خود مستولی شد و توانست تا حد زیادی در آن دخل و تصرف کند، تعادل نظام زیستی برهم‌خورد و هرچه این دخل و تصرف بیشتر می‌شود، عدم تعادل نیز نمایان‌تر می‌گردد تا بدان حد که امروزه، وضعیت به قدری بحرانی شده و حیات بشر چنان در معرض خطر و تنگنا قرار گرفته است که خود او به فکر افتاده تا چاره‌ای برای رهایی از دامی که خود گسترانده است، بیابد. بنابراین، برای پیشگیری از چنان وضعیتی نیاز به حمایت کیفری از محیط‌زیست داریم؛ یعنی، مجموعه قواعد و مقرراتی که ناظر بر حفاظت کیفری از طبیعت و محیط‌زیست باشد. قانون‌گذاران نباید فقط به گردآوری و ساده کردن متون اجرایی و خاص بپردازند، بلکه باید با وسعت نظر به محیط‌زیست بنگرند و قوانین خود را بر مبنای آن وضع کنند. این رشته از حقوق دارای ویژگیهای خاصی است، زیرا همراه با جنبه‌های

1. Report on Eurojust's Casework, 2021, p: 7



تکنیکی و سیاسی، جنبه روانی هم دارد. از ویژگیهای این حقوق، حق دخالت مؤسسات عام‌المنفعه در دادگاهها و نیز مقررات ناظر بر حق اقامه دعوا توسط شهروندان بر اساس ذینفع‌بودن در حقوق عام‌المنفعه، مسئولیت مشترک و مسئولیت در برابر نسل آینده است.

در قوانین کیفری محیط‌زیستی، معیارهایی مانند ذینفع‌بودن می‌بایست مفهومی موسع یابند؛ چرا که مضیق‌بودن این تفسیر باعث رد گسترده دعاوی و شکایات محیط‌زیستی خواهد شد. از طرفی دیگر، توسعه پایدار که از بیشترین و بزرگترین دغدغه‌های امروز بشر هست نیز دربرگیرنده مسئولیت شهروندان امروز در برابر نسل آینده است.

در واقع، آنچه هنگام وضع قوانین راجع به محیط‌زیست باید مورد توجه قانون‌گذاران قرار گیرد، اهمیت دادن به تشویش و نگرانی فکری موجود درباره محیط‌زیست در کل سیستم حقوقی است؛ زیرا در غیر این صورت، حقوق محیط‌زیست از بین خواهد رفت. به این منظور، اگر قانونگذار سرمایه‌های محیط‌زیست را میراث مشترک بشریت در نظر گرفته و ارزشی درخور به آن بدهد، می‌تواند صلاحیتی تام و مؤثر در این زمینه جهت شکایت و اعلام جرم و پیشگیری از آلودگی و تخریب محیط‌زیست به سازمانها و دیگر نهادهای مردمی اعطا کند.

### سیاسگزاری

این مقاله حاصل راهنمایی و همکاریهای علمی مشترک میان گروه حقوق محیط‌زیست دانشکده منابع طبیعی و محیط‌زیست دانشگاه آزاد اسلامی واحد علوم و تحقیقات تهران و بخش بیوتکنولوژی میکروبی پژوهشگاه بیوتکنولوژی کشاورزی ایران است که به لحاظ فراهم آوردن زمینه این همکاری ارزنده علمی، تشکر و قدردانی می‌شود.

## منابع

- جلالیان، عسکر و نجفی اسفاد، مرتضی (۱۳۹۱). ضرورت تأسیس دادگاه بین‌الملل محیط‌زیست جهت حمایت کیفری و حقوقی از محیط‌زیست در مقابل خسارات وارده در جنگ ۲۲ روزه غزه. فصلنامه علمی راهبرد، ۲۱ (۲)، ۳۸-۱. قابل‌بازیابی از:

[https://rahbord.csr.ir/article\\_124443\\_85f9e168f0f999e4112cb8ba2051c32.pdf](https://rahbord.csr.ir/article_124443_85f9e168f0f999e4112cb8ba2051c32.pdf)

- جوان جعفری، عبدالرضا و حاجی‌وند، امین (۱۴۰۰). تحلیلی بر نقش رسانه در ترویج رفتارهای ناقض حق بر محیط‌زیست سالم از منظر جرم‌شناسی ادغام‌گرای انتقادی (مطالعه مدل جوامع نئولیبرالیستی). دو فصلنامه بین‌المللی حقوق بشر، ۱۶(۱): ۲۱۶-۱۹۵. قابل‌بازیابی از:

[https://humanrights.mofidu.ac.ir/article\\_243940\\_1ea05892fdd968a34b88842a4ee061e6.pdf](https://humanrights.mofidu.ac.ir/article_243940_1ea05892fdd968a34b88842a4ee061e6.pdf)

- حاجی‌وند، امین؛ میرکمالی، علیرضا؛ صفری، فرشید و سروی سرمدانی، امید (۱۳۹۷). مسئولیت کیفری دولت در قبال جرائم زیست‌محیطی در ایران: ضرورت‌ها چالش‌ها. فصلنامه علوم محیطی، ۱۶(۲): ۸۲-۶۵ قابل‌بازیابی از:

[https://envs.sbu.ac.ir/article\\_97947\\_19828eb4daf31de9ff48b6e848f7ff75.pdf](https://envs.sbu.ac.ir/article_97947_19828eb4daf31de9ff48b6e848f7ff75.pdf)

- حبیبی، محمد حسن. (۱۳۸۲). حق برخورداری از محیط‌زیست سالم به‌عنوان حق بشریت. مجله دانشکده حقوق و علوم سیاسی، ۶۰(۰): ۱۳۱-۱۷۰. قابل‌بازیابی از:

[https://jflps.ut.ac.ir/article\\_11170\\_beccecd95f8387fbac0342dc687c4c155.pdf](https://jflps.ut.ac.ir/article_11170_beccecd95f8387fbac0342dc687c4c155.pdf)

- حسینی، سید محسن. (۱۳۸۲). امکان‌سنجی ایجاد سازمانهای غیردولتی حفاظت از محیط‌زیست و منابع طبیعی، فصلنامه محیط‌شناسی، ۲۹(۳۱): ۱۱۴-۱۰۵. قابل‌بازیابی از:

[https://jes.ut.ac.ir/article\\_11035\\_1cd9b3eedecd6d14508002f985cf8078.pdf](https://jes.ut.ac.ir/article_11035_1cd9b3eedecd6d14508002f985cf8078.pdf)

- داگلاس وایت، رابرت (۱۳۹۴). جرائم زیست‌محیطی فراملی: به سوی جرم‌شناسی جهان بوم. ترجمه حمیدرضا دانش ناری. چاپ اول. تهران: انتشارات روناس. ۳۲۰ صفحه.

- رضانی قوام‌آبادی، محمدحسین. (۱۳۹۰). پیشگیری و سرکوب جرائم زیست‌محیطی در پرتو اقدامات سازمان‌های غیردولتی در نظام حقوقی ایران. مجله حقوقی دادگستری، ۷۵(۷۵)، ۱۹۹-۲۲۶. قابل‌بازیابی از:

[https://www.lj.ir/article\\_11081\\_28ee74b6af81015a1b420225582a144a.pdf](https://www.lj.ir/article_11081_28ee74b6af81015a1b420225582a144a.pdf)

- رضانی قوام‌آبادی، محمدحسین و جوادمنش، جواد. (۱۳۹۵). مطالعه تطبیقی گستره مفهوم ذینفع در اقامه دعوی زیست‌محیطی در حقوق ایران و اتحادیه اروپا. مطالعات حقوق عمومی، ۴۶(۴): ۹۷۷-۱۰۰۱. قابل‌بازیابی از:

[https://jpls.ut.ac.ir/article\\_60526\\_0117be6e9ba99977e6e79f70bc9c6f80.pdf](https://jpls.ut.ac.ir/article_60526_0117be6e9ba99977e6e79f70bc9c6f80.pdf)

- سورانی، محمدجواد. (۱۳۹۸). مطالعه تطبیقی مسئولیت کیفری مستقیم و نیابتی اشخاص حقوقی در نظام حقوقی ایران و انگلستان. فصلنامه علمی آراء، ۲(۱۵): ۸۵-۶۵. قابل‌بازیابی از:

[https://ara.dadgostari-es.eadl.ir/article\\_226862\\_d1ab2f316c518ebf428511a4aa32f5d0.pdf](https://ara.dadgostari-es.eadl.ir/article_226862_d1ab2f316c518ebf428511a4aa32f5d0.pdf)

- شمس، عبدالله و شاه‌حیدری پور، محمدعلی. (۱۳۹۰). اصل لزوم ارتباط دعوا و دادگاه از جهت صلاحیت محلی در حقوق ایران و انگلستان و اصول دادرسی مدنی فراملی. فصلنامه تحقیقات حقوقی، ۱۴(۶): ۳۴۴-۳۱۱. قابل‌بازیابی از:

[https://lawresearchmagazine.sbu.ac.ir/article\\_56759.html](https://lawresearchmagazine.sbu.ac.ir/article_56759.html)

- طلوعی مقدم، احمد و داودی گرمارودی، هما (۱۴۰۰). نگاهی تطبیقی به کارکرد سمن‌ها در پیشگیری از جرائم علیه محیط‌زیست. تحقیقات حقوقی آزاد، ۱۴(۵۲): ۴۱-۲۱. قابل‌بازیابی از:



[https://alr.ctb.iau.ir/article\\_685402\\_cc3079a6b1951ca5f7300c226d65ab30.pdf](https://alr.ctb.iau.ir/article_685402_cc3079a6b1951ca5f7300c226d65ab30.pdf)

- کوشکی، غلامحسین (۱۳۸۸). چالش‌های نظام کیفری ایران در حوزه جرائم زیست‌محیطی. فصلنامه اطلاع‌رسانی حقوقی. ۱۷(۶): ۱۰۴-۸۷. قابل بازیابی از:

<http://ensani.ir/file/download/article/20120614195129-9026-97.pdf>

- مشکات، سید مصطفی؛ رمضانی، احمد و صلاحی، سهراب (۱۳۹۸). نظام حقوقی حاکم بر ممنوعیت آزمایش‌های هسته‌ای در حقوق بین‌الملل. مطالعات حقوق انترژی. ۱۵(۱): ۱۹۳-۱۷۵. قابل بازیابی از:

[https://jrels.ut.ac.ir/article\\_74444\\_2c3097087ddb812321be5df9d89946e8.pdf](https://jrels.ut.ac.ir/article_74444_2c3097087ddb812321be5df9d89946e8.pdf).

-Abiddin, Norhasni Zainal, Irmohizam Ibrahim, and Shahrul Azuwar Abdul Aziz (2022). Non-Governmental Organizations (NGOs) and Their Part towards Sustainable Community Development, *Sustainability* 14(8):1-13. Retrieved from <https://doi.org/10.3390/su14084386>.

- Bianco, F., Lucifora, A., Vagliasindi, G.M. (2015). *Fighting Environmental Crime in France: A Country Report*. Study in the framework of the EFFACE research project. Catania: University of Catania. Retrieved from:

<http://efface.eu/fighting-environmental-crime-france-country-report/>.

- European Commission. Directorate-General for Environment. (2021). *Combating environmental crimes and related infringements – Environmental compliance assurance: guidance document*, Publications Office of the European Union. Retrieved from:

<https://data.europa.eu/doi/10.2779/035969>

- Greenberg, J. D. and Brotman, E. C. (2014). Strict vicarious criminal liability for corporations and corporate executives: Stretching the boundaries of criminalization. *Am. Crim. L. Rev.* 51. 79-98.

- Hadjichambis, Andreas Ch. (2022). European Green Deal and Environmental Citizenship: Two Interrelated Concepts. *Environmental Sciences Proceedings* 14(1): 1-4. Retrieved from:

<https://doi.org/10.3390/environsciproc2022014003>.

- Lindgren, J. F., Brynolf, S., Wilewska-Bien, M., and Andersson, K. (Eds.). (2016). *Shipping and the Environment: Improving Environmental Performance in Marine Transportation*. 1st Edition. Springer Berlin Heidelberg.

- Naggea, J., Miller, R. (2023). A comparative case study of multistakeholder responses following oil spills in Pointe d'Esny, Mauritius, and Huntington Beach, California. *Ecology and Society*, 28(1): 24-61. Retrieved from:

<https://ecologyandsociety.org/vol28/iss1/art24/>.

- Report on *Eurojust's Casework on Environmental Crime* (2021). European Union Agency for Criminal Justice Cooperation. 1-28. Retrieved from: [https://www.eurojust.europa.eu/sites/default/files/assets/report\\_environmental\\_crime.pdf](https://www.eurojust.europa.eu/sites/default/files/assets/report_environmental_crime.pdf).

- Rudall, J. (2020). *Compensation for Environmental Damage under International Law*, Routledge.

- Skousen, K. F., Glover, S. M., and Prawitt, D. F. (2005). *An introduction to corporate governance and the SEC*. Thomson/South-Western.